

## مروری بر روش‌های تدریس دوره ابتدایی مبتنی بر برنامه‌های درسی تلفیقی هنر

نرگس متین‌فر\*<sup>1</sup>، مرجان کیان<sup>2</sup>

<sup>1</sup> کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه خوارزمی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

malakeh533@yahoo.com

<sup>2</sup> استادیار گروه مطالعات برنامه درسی، دانشگاه خوارزمی تهران

kian@khu.ac.ir

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف اثبات تأثیر به‌کارگیری برنامه درسی تلفیقی هنر بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان در دروس ابتدایی انجام شد. در این پژوهش تأثیر آموزش برنامه درسی به روش تلفیقی به‌وسیله هنر بر عملکرد یادگیری دانش آموزان بررسی شده است. روش انجام کار کتابخانه‌ای و مرور مطالعات پیشین در این زمینه بود. نتایج نشان داد که مطالعاتی که در این زمینه انجام شده اند نشان از تأثیر مثبت به‌کارگیری برنامه درسی تلفیقی هنر بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان در دروس ابتدایی دارند.

**واژه‌های کلیدی:** روش‌های تدریس، دوره ابتدایی، برنامه‌های درسی تلفیقی، هنر، دانش‌آموز

Archive SID

### 1- مقدمه

بهبود وضعیت تحصیلی دانش آموزان یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش معاصر است و پیشرفت تحصیلی به عنوان یک شاخص مهم برای ارزیابی نظام‌های آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. دوره ابتدایی به دلیل اهمیت خاص در روند تکوین شخصیت فرد و توسعه جامعه، حساسیتی فوق‌العاده دارد و به جرئت می‌توان گفت هیچ یک از دوره‌های تحصیلی از چنین اهمیتی برخوردار نیستند. کودک در این دوره، ویژگی‌های جسمی، روانی، عاطفی و فکری خاصی داشته و تفکر محسوسی دارد لذا برای موفقیت امر آموزش در این دوره حساس، لازم است قبل از هرگونه اقدامی در جهت انتخاب و تعیین عناصر برنامه درسی به شناخت ویژگی‌های روانی و جسمانی دانش آموزان این دوره تحصیلی پرداخته و سپس اقدام به برنامه‌ریزی نماییم (منصور، 1395).

واژه برنامه درسی از نظر لغت‌شناسی، ریشه در واژه currere دارد که به معنای میدان مسابقه است. در جمع‌بندی نکاتی که پیرامون معنا و مفهوم برنامه درسی ارائه شده است. می‌توان بیان کرد که با توجه به واژه برنامه درسی (currere)، دودسته تعریف حاصل شده است. اولین دسته همان برداشت سنتی از برنامه درسی است که بر پایه مجموعه‌ای از تصمیمات از پیش گرفته شده است که یادگیرندگان باید طی کنند. مجموعه‌ای از تصمیمات برنامه ریزان در سند برنامه درسی منعکس شده است که برای یک درس خاص، یک پایه تحصیلی یا یک دوره درسی طراحی شده است. این برنامه برای تمامی فراگیران یکسان است. تعریف دوم که بر تجربه‌های یادگیری توسط دانش آموزان تأکید دارد، محصول روبرویی با موقعیت‌های یادگیری است که برای همه دانش آموزان یکسان نیست.

صاحب‌نظران حوزه برنامه درسی تعاریف مختلفی را برای معنا و مفهوم تلفیق برنامه درسی بیان داشته‌اند. اغلب کارشناسان و صاحب‌نظران برای تعریف تلفیق برنامه درسی نظر واحدی ندارند؛ بنابراین تعاریف زیادی برای این واژه وجود دارد که برخی از دیدگاه‌های صاحب‌نظران و متخصصان برنامه‌ریزی درسی بیان شده است.

تلفیق شیوه‌ای است که در آن بخش‌های وابسته به هم در یک کل بزرگ‌تر مرتبط شوند، یا رابطه متوازن با یکدیگر برقرار کنند (مهرمحمدی، 1391). سازمان‌دهی برنامه‌های درسی به شیوه تلفیقی، زمینه لازم را برای دستیابی دانش آموزان به وحدت و یکپارچگی در تجربه‌های یادگیری فراهم آورده و موجب یادگیری معنا دار شده است. واژه‌ای که معمولاً برای تلفیق مورد استفاده قرار گرفته، integrated است. واژه‌های دیگر نیز می‌توانند به کار روند<sup>1</sup>. برنامه تلفیقی یعنی طراحی فعالیت‌های یادگیری به گونه‌ای که تجربه‌های مرتبط به سه حوزه شناختی، عاطفی و حسی و حرکتی را باهم ترکیب کند و کل‌نگر باشد. تلفیق به معنای در هم آمیختن حوزه‌های محتوایی با موضوعات درسی است که در نظام‌های آموزشی سنتی به‌طور جداگانه و مجزای از یکدیگر در برنامه درسی گنجانده شده است (میکائیلو و همکاران، 1395).

رایج‌ترین شیوه سازمان‌دهی برنامه درسی شیوه مبتنی بر رشته‌های علمی و برنامه‌های درسی به‌طور سنتی است. با این شیوه سازمان‌دهی موضوعات درسی به‌طور مجزا و در بخش‌های مجزای زمانی ارائه و از هرگونه فعالیت برای تلفیق پرهیز شده و برای هر ماده درسی کتاب مخصوص تدوین و تدریس شده است. یادگیری نیز مربوط به همان کتاب درسی است. در این قسمت به چند نوع تلفیق اشاره شده است.

### 1-1- تلفیق با محوریت رشته

<sup>1</sup> . Interdisciplinary, Coalescence, Holistic

رایج‌ترین شیوه سازمان‌دهی برنامه درسی شیوه مبتنی بر رشته‌های علمی و برنامه‌های درسی به‌طور سنتی است. با این شیوه سازمان‌دهی موضوعات درسی به‌طور مجزا و در بخش‌های مجزای زمانی ارائه و از هرگونه فعالیت برای تلفیق پرهیز شده و برای هر ماده درسی کتاب مخصوص تدوین و تدریس شده است. یادگیری نیز مربوط به همان کتاب درسی است. در این قسمت به چند نوع تلفیق اشاره شده است.

### الف- رویکرد درون رشته‌ای موازی<sup>۲</sup>:

موازی ساختن تلاشی است که در آن دو رشته یا بیشتر با یکدیگر هماهنگ شده و ارتباط پیدا می‌کنند. آنچه در یک‌رشته یاد گرفته شده است با یادگیری به‌صورت هماهنگ در رشته دیگر تقویت می‌شود. در این الگو هویت مجزای موضوع‌های درسی باقی می‌ماند این سازمان‌دهی به دو طریق امکان‌پذیر است.

الف) محتوای یک درس در خدمت یادگیری بهتر و آسان‌تر محتوای درس دیگر قرار گیرد. ب) محتوای دروس مختلفی که یک محور مشترک دارند، در یک سال تحصیلی آموزش داده می‌شوند (محمدی مهر و همکاران، 1389). این تلفیق بسیار ابتدایی است. با این رویکرد فرصت تلفیق واقعی و سنجیده از دست می‌رود. پویایی‌های زندگی کلاسی وجود ندارد. دانش‌آموز هنوز مفاهیم و محتوای دروس را به‌طور مجزا مطالعه می‌کند و باید خودشان ارتباط‌های میان حوزه‌های دانش را کشف کنند همچنین برای دروسی که باهم مرتبط هستند تدریس هم‌زمان وجود دارد. درواقع محتوا تغییر نمی‌کند. معلمان ابتدایی می‌توانند تقویم آموزشی یک درس مانند مطالعات اجتماعی را به‌وسیله هنر هماهنگ کنند. به‌طور خلاصه برای دروسی که باهم مرتبط هستند، تدریس هم‌زمان وجود دارد.

### ب- میان‌رشته‌ای<sup>۳</sup>:

رویکردهای میان‌رشته‌ای یکی از انواع مختلف برنامه‌های درسی تلفیقی است. در این رویکرد استقلال رشته‌ها از بین می‌رود و مفاهیم و موضوعات کلی و اصول مشترک بین دو یا چند رشته مورد توجه است و یک مفهوم، مضمون، محتوا و مهارت محور سازمان‌دهی برنامه درسی قرار می‌گیرد و از رشته‌ها و مواد درسی مختلف برای توضیح آن استفاده شده است (احمدی، 1390).

با توجه به آنچه بیان شد، این رویکرد برنامه درسی دامنه وسیعی از رشته‌های علمی را در برمی‌گیرد، مانند مطالعات اجتماعی، علوم، هنرهای زبانی، موسیقی، هنر، این پیوند بین مواد درسی با استفاده از یک موضوع مشترک صورت می‌گیرد. این طرح برای دانش‌آموزان و معلمان برانگیزاننده است. امتیاز این رویکرد این است که معلمان می‌توانند واحدهای درسی را حول موضوعاتی که از برنامه درسی در حال اجرا گرفته شد طراحی کنند. به‌طور کلی رویکرد میان‌رشته‌ای متداول‌ترین رویکرد در برنامه درسی تلفیقی بوده و بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است.

### پ- چند رشته‌ای<sup>۴</sup>

توالی موضوعات در این برنامه درسی را عواملی چون سهولت بررسی، فراهم کردن فرصت‌های پژوهشی خاص، نیاز جامعه و ... تعیین می‌کنند. به همین دلیل از این رویکرد می‌توان به‌عنوان یک رویکرد موضوع محور نیز نام برد. این رویکرد برای آموزش

<sup>2</sup>. Parallel Disciplinarity

<sup>3</sup>. Inter- disciplinarity

<sup>4</sup>. Disciplinarity Multy

موضوعاتی که در ابعاد مختلف همپوشانی دارند مناسب است. در این رویکرد موضوع یا مسئله از دیدگاه رشته‌ها و دیسیپلین‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و رشته‌های مختلف روی یک مسئله تمرکز می‌کنند، ولی تلاش برای برقراری ارتباط بین آن‌ها صورت نمی‌گیرد (مطلبی فرد و همکاران، 1389).

با توجه به آنچه بیان شد، مهم‌ترین امتیاز شیوه چند رشته‌ای این است که همه ویژگی‌ها و شرایط مورد بررسی قرار می‌گیرند. همچنین یک موضوع یا مسئله را به‌طور همه‌جانبه و در کلیت خود ارائه می‌دهد و موضوع مورد مطالعه از واقعیت‌های زندگی گرفته شده است.

### ج- چند رشته‌ای متقاطع<sup>5</sup>

یک دیسیپلین را از نظر دیسیپلین دیگر مورد بررسی قرار می‌دهد (محمدی مهر و همکاران، 1389). بنابراین با توجه به آنچه بیان شد، امروزه کاربرد این نوع از طراحی برنامه درسی، در آن دسته از مقاصد آموزشی که در پی نگاه بیرونی به یک رشته، اصول حاکم بر آن مورد توجه قرار گرفته است، در مقاطع پایین با لحاظ کردن چند واحد در غالب حداقل یک واحد درسی، می‌توان از این رویکرد در ارائه کارکردها و مسائل یک علم استفاده کرد.

### د- چند رشته‌ای متکثر<sup>6</sup>

این طراحی بین دیسیپلین‌هایی که ارتباط بیشتر، ادبیات یا روش‌شناسی مشترک باهم دارند صورت می‌گیرد (همان). از این رو این نوع طراحی قدرت درک ارتباط میان دو حوزه علمی مشترک را تقویت می‌کند و نقاط قوت هر یک در پیشرفت دیگری مؤثر است.

## 1-2- تلفیق بدون محوریت رشته (فرارشته ای)

رویکردهایی که تاکنون به آن‌ها اشاره شد، همگی موضوع درسی را به‌عنوان جهت دهنده اصلی فرایند یاددهی- یادگیری در نظر گرفتند. در اینجا می‌توان رویکرد دیگری را به نام رویکرد فرا رشته‌ای مطرح کرد که بر ساختار منطقی و موضوعات مرسوم در یک حیطه علمی متمرکز نیست، بلکه با قرار دادن یادگیرنده و مهارت‌های گوناگون وی به‌عنوان کانون توجه ساختار جامعی از فرایندها و قابلیت‌های یادگیری را در 3 حیطه شناختی، دانشی و مهارتی جایگزین ساختار منطقی در حیطه دیسیپلین‌ها کرده است. تلفیق با رویکرد فرارشته ای شامل فرا رشته‌ای افقی و فرارشته ای قائم است. این شیوه با یک مسئله شروع شده و از رشته‌های علمی، دانش جدیدی به دست می‌آید و به سه شیوه کودک محور، مبتنی بر کارکردهای اجتماعی و مبتنی بر تجربه است (میکائیلو و همکاران، 1395).

در جمع‌بندی مباحث مطرح‌شده می‌توان بیان کرد که رویکرد فرا رشته‌ای یادگیرنده و مهارت‌های وی را کانون توجه قرار داده است. باید برنامه درسی بر تجربه‌های یادگیری وسیع یا مسائل اجتماعی مبتنی باشد. این رویکرد یک برنامه درسی تجربه مدار است.

## 1-3- اشکال تلفیق

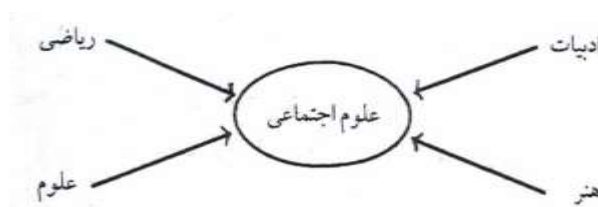
<sup>5</sup>. Cross- Disciplinary

<sup>6</sup>. plury- Disciplinary

نویسندگان کتاب برنامه درسی پویا نیز در بخشی از کتاب خود به معرفی اشکال تلفیق پرداخته‌اند. این دسته‌بندی، شش نوع تلفیق را به شرح زیر در برمی‌گیرد:

الف- تلفیق تصادفی<sup>۷</sup>

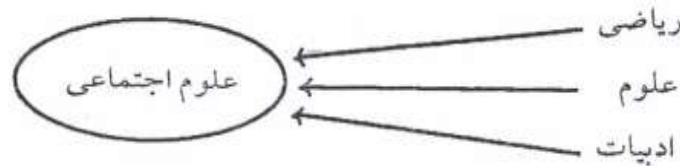
زمانی اتفاق می‌افتد که در حین یادگیری محتوای یک ماده درسی، دانش آموز با موضوع، مفهوم یا مبحثی روبه‌رو می‌شود که معلم برای درک بهتر وی، فعالیت‌های یادگیری تکمیلی یا تقویتی را پیش‌بینی می‌کند. این فعالیت‌ها که باهدف درک و فهم بهتر محتوای ماده درسی خاصی انجام می‌شود، می‌تواند فرصتی را فراهم سازد که حوزه‌های گوناگون محتوایی با یکدیگر ارتباط یابند.



تصویر 1- تلفیق تصادفی

ب- تلفیق از طریق تمرین و تقویت<sup>۸</sup>

معرف کاربرد دانش و مهارت‌های آموخته‌شده در یک حوزه محتوایی دیگر است. این کاربرد سبب تقویت و تحکیم دانش و مهارت‌های آموخته‌شده است.



تصویر 2- تلفیق از طریق تمرین و تقویت

پ- تلفیق از طریق محاط کردن<sup>۹</sup>:

تلفیق از طریق قرار دادن یک ماده درسی درون ماده درسی دیگر (هنر در درون علوم اجتماعی)؛

7. Incidental

8. Reinforcement and practice

9. Embedding

معرف محاط کردن یک ماده درسی یا حوزه محتوایی در ماده درسی دیگر است. فعالیت‌های یادگیری حوزه محتوایی محاط شده، دارای کارکردی دوگانه است: نخست در جهت تقویت یادگیری مباحث مربوط به ماده درسی (کارکرد اولیه)؛ دوم، فراگیری مهارت‌ها یا مطالبی در ارتباط با حوزه یادگیری محاط شده که خود در برنامه درسی مدرسه موضوعیت دارد (کارکرد ثانویه). این نوع از تلفیق را به شکل زیر می‌توان نمایش داد:



تصویر 3- تلفیق از طریق محاط کردن

ج- تلفیق از طریق هماهنگی آگاهانه<sup>۱۰</sup>

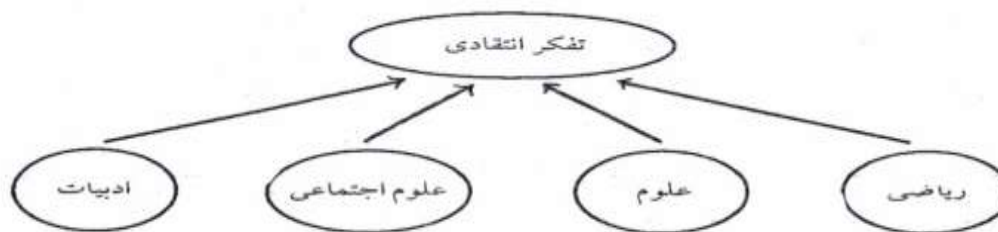
زمانی اتفاق می‌افتد که بخشی از محتوای مواد درسی مجزا، آگاهانه به یکدیگر ارتباط می‌یابند و به‌طور هم‌زمان یا در مقاطع زمانی نزدیک به یکدیگر آموزش داده می‌شوند. این نوع تلفیق در شکل زیر به نمایش گذاشته شده است:



تصویر 4- تلفیق از طریق هماهنگی آگاهانه

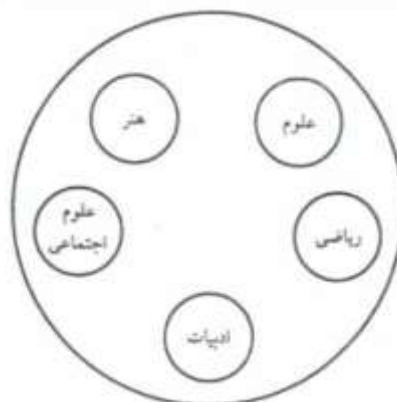
د- تلفیق از طریق فرایندها<sup>۱۱</sup>

زمانی اتفاق می‌افتد که انجام فعالیت‌های یادگیری مرتبط با حوزه‌های محتوایی گوناگون، همگی باهدف رشد قابلیت‌های فرایندی خاص - مثلاً مشاهده کردن، سازمان‌دهی کردن، ارتباط برقرار کردن و تفکر انتقادی - در دستور کار قرار می‌گیرد.



تصویر 5- تلفیق از طریق فرایندها

ر- تلفیق با استفاده از یک موضوع<sup>۱۲</sup>  
زمانی اتفاق می افتد که مسئله های واقعی یا موضوعات و پرسش های مورد علاقه دانش آموزان محور سازمان دهی برنامه درسی قرار می گیرد و زمینه استفاده از حوزه های محتوایی گوناگون در مطالعه این مسائل یا موضوع ها، به طور طبیعی فراهم می شود.



تصویر 6- تلفیق با استفاده از یک موضوع

در جمع بندی انواع و اشکال رویکردهای تلفیق برنامه درسی می توان بیان کرد که رویکردها بر اساس ماهیت ارتباط بین رشته ها سازماندهی شده اند. در این دسته بندی رویکرد بر اساس تلفیق با محوریت رشته از قبیل رویکرد درون رشته ای موازی، میان رشته ای، چند رشته ای متقاطع و متکثر و بدون محوریت رشته شامل فرارشته ای تقسیم بندی شده اند. رویکردهای مختلف تلفیق بر اساس شکل تلفیق برنامه درسی مانند تلفیق تصادفی، محاط کردن، هماهنگی آگاهانه، تلفیق از طریق فرایندها و تلفیق با استفاده از یک موضوع صورت می پذیرد. این دسته بندی مشخص می کند که چه چیزی تلفیق شده است. سازمان دهی برنامه از آن جهت مهم است

که زمینه استفاده از موضوعات گوناگون را در برنامه درسی تلفیقی فراهم می‌آورد. سازمان‌دهی برنامه به هر صورت که باشد زمینه سازاستفاده از حوزه‌های گوناگون برای تدوین و طراحی برنامه درسی است.

کلاس‌های تلفیق هنری یکی از فعالیت‌های پرجنب‌وجوش، تعامل و همکاری با همتایان است. آن‌ها با مبادله ایده‌ها، تفکرات خود را به عمل تبدیل می‌کنند و سپس کار خود را با همتایان خود به اشتراک می‌گذارند ایجاد تصاویر با استفاده از خود دانش آموزان به صورت گسترده مورد استفاده قرار گرفته است تا لحظات محوری را در یک داستان برای درک موسیقی و هنر بصری ایجاد کند و از این طریق ایده‌های متفاوت را به دست آورند (مولی و همکاران<sup>۱۳</sup>، 2015).

برای حمایت از پیشرفت تحصیلی، مدارس باید روش تلفیقی هنر را در یادگیری مبتنی بر سخنرانی در نظر بگیرند. تلفیق هنر در فعالیت‌ها بهتر است به عنوان وظیفه در نظر گرفته شود تا انگیزه و یادگیری دانش آموزان بهتر شود (فاکلیر<sup>۱۴</sup>، 2016). باید برای پیاده‌سازی مؤثر هنر با آموزش زبان دوم: (هنر به عنوان زبان دوم) یک چهارچوب ارائه شود و باید امکان دسترسی عادلانه برای همه دانش آموزان را فراهم کرد تا در زمینه‌های هنرهای درسی اطلاعات کسب کنند.

## 2- روش شناسی تحقیق

در این پژوهش مطالعه از نوع مروری است و از متون کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اینترنتی استفاده شده است.

## 3- یافته‌ها

پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور برای تهیه و تدوین برنامه‌های درسی تلفیقی اهمیت ویژه‌ای دارند. از آنجاکه تمام برنامه‌های درسی با توجه به اسناد بالادستی تدوین می‌شوند لازم است در ابتدا اشاره‌ای به بررسی برنامه‌های درسی تلفیقی در سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی در نظام تعلیم و تربیت رسمی جمهوری اسلامی ایران شود.

در راستای رویکرد نظام تربیت رسمی و عمومی، در جهت‌گیری کلان این زیر نظام، با توجه به قلمرو آن به یکپارچه نگری همسو با اصول آزادی، وحدت‌گرایی و همه‌جانبه نگری در فلسفه تربیت رسمی و عمومی اشاره شده است. همچنین باید برنامه درسی با تأکید بر مضامین فرا رشته‌ای یا پیامدها به سمت یکپارچگی هر چه بیشتر و رویارویی مؤثرتر عناصر برنامه درسی با موقعیت‌ها بر اساس نظام معیار اسلامی صورت پذیرد و تأکید بر کارکردهای ثانوی و فرا برنامه درسی در مواقعی که حفظ ساختار رشته‌ای (موضعی) مواد درسی ضرورت می‌یابد، ارتباط نظام‌مند میان حوزه‌های یادگیری با استفاده از تلفیق متکی به اصل کارکردهای ثانوی باید در دستور کار قرار گیرد. تلفیق از نوع فرا برنامه درسی به عنوان شکل فراگیر بسط یافته تلفیق از نوع کارکرد ثانوی نیز با عنایت به انتخاب و التزام به نظام معیار اسلامی مورد تأکید است. اصول طراحی و سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی باید با اتکا بر رویکرد تلفیقی و مسئله محور و تأکید بر مفاهیم، مهارت‌ها و ایده‌های اساسی صورت گیرد تا فرصت تجربیات دسته اول را برای کسب شایستگی‌ها در فراگیران فراهم کند. فرایند تربیت در عین دارا بودن عناصر، اجزا و فرایندها امری واحد و یکپارچه است. از

<sup>13</sup>. Molly

<sup>14</sup>. Fackler



مصادیق این اصل در تربیت رسمی و عمومی می‌توان به توجه به وحدت مراحل رشد و پیشرفت فراگیران و یکپارچگی برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی اشاره کرد (سند تحول بنیادین، 1390).

در اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی در برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است که برنامه‌های درسی و تربیتی باید برای تمام دانش آموزان به صورت به هم پیوسته و یکپارچه طراحی و تدوین شود. این برنامه‌ها باید با رعایت انعطاف‌پذیری، با نیازهای هر یک از گروه‌های دانش آموزان با نیازها و استعداد‌های خاص انطباق و سازگاری داده شود. با توجه به موارد بیان شده می‌توان مشاهده نمود که در سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی به لزوم تدوین برنامه‌های درسی تلفیقی به صراحت اشاره شده است (برنامه درسی ملی، 1391).

اولین تجربه پژوهشی در این زمینه به تأسیس مدرسه ابتدایی وابسته به دانشگاه شیکاگو<sup>15</sup> توسط دیویی<sup>16</sup> (1896)، مربوط است. دیویی برای ایجاد پیوند و تلفیق میان اجزای برنامه درسی و ایجاد ارتباط میان مدرسه و جامعه ارزش فراوان قائل بود. از بارزترین نمونه‌های عملی طراحی برنامه‌های درسی تلفیقی در این دوران باید به طراحی برنامه‌های درسی جی.آل. مریام<sup>17</sup>، سرپرست مدارس وابسته به دانشگاه میسوری<sup>18</sup> اشاره کرد. وی برای ایجاد پیوند همبستگی میان مؤلفه‌های یادگیری دانش آموزان در دوره ابتدایی، مطالعه مسائل واقعی را در دستور کار خود قرار داد و معتقد بود که با این کار ارتباط به‌طور طبیعی تحقق می‌یابد. دومین نمونه بارز از تجربه‌های طراحی برنامه‌های درسی تلفیقی مربوط به اوایل قرن 20 میلادی است که مربوط به فردریک بونسر<sup>19</sup> استاد دانشگاه کلمبیا<sup>20</sup> است. اندیشه کلیدی در آرای بونسر آن است که موضوع‌های درسی و برنامه درسی امری واحد نیستند بلکه موضوعات درسی باید تسهیل‌کننده و یاری‌دهنده دانش آموزان در انجام فعالیت‌های خاص یا دستیابی به درک و فهم لازم نسبت به یک مسئله باشند (مهرمحمدی، 1383).

همایونی (1395) در پژوهشی تحت عنوان «مقایسه کیفیت برنامه درسی مجزا و تلفیقی پایه ششم ابتدایی» که با روش توصیفی از نوع پیمایشی انجام داد. به این نتیجه دست‌یافت که در عناصر، هدف، محتوا، روش تدریس، زمان، فعالیت‌های یادگیری، ارزشیابی، میانگین برنامه‌های درسی تلفیقی بیشتر و دارای تفاوت معناداری از برنامه درسی مجزا بوده است؛ اما در عنصر گروه‌بندی کلاس میانگین برنامه درسی مجزا بیشتر رود و تفاوت معناداری نسبت به برنامه درسی تلفیقی داشت؛ در عناصر، مواد و منابع آموزشی و مکان آموزشی تفاوت معناداری بین برنامه درسی تلفیقی و مجزا به دست نیامد.

پاکیزه (1394) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر شیوه آموزشی تلفیقی هنر بر خلاقیت و یادگیری دانش آموزان پسر سال اول دبستان» که با روش پژوهشی تجربی انجام داد. نتایج پژوهش نشان داد که آموزش به روش تلفیق هنر در مقایسه با روش سنتی، منجر به افزایش سیالی، بسط و اصالت و انعطاف‌پذیری دانش آموزان شد. ولی تأثیر معناداری بر یادگیری دانش آموزان ندارد.

رستمی مسنی (1393) پژوهشی با عنوان «بررسی امکان اجرای برنامه درسی تلفیقی در دوره ابتدایی نظام آموزش و پرورش ایران» انجام داد. پژوهش از نوع کاربردی است و شیوه پژوهش کیفی مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش از دو روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی و روش پژوهش پیمایشی یا زمینه‌یابی در کنار هم استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که در اجرای برنامه‌های درسی تلفیقی شرایط بسیاری از جمله: شرایط و الزامات مربوط به برنامه‌های درسی تلفیقی، محیط یادگیری و

15. Chicago

16. John Dewey

17. G.L.merriam

18. Missouri University

19. Frederic Bonserre

20. Colombia

کلاس درس، نظام آموزشی و جامعه تأثیر دارد. یافته‌های دیگر پژوهش نشان داد در اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش توجه ویژه‌ای به برنامه‌های درسی تلفیقی شده است. همچنین با توجه به اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش، دانش و مهارت‌های معلمان دوره ابتدایی و منابع و امکانات آموزشی این دوره تا حدودی امکان اجرای برنامه‌های درسی تلفیقی در این دوره وجود دارد.

ماهرو زاده و نورآبادی (1393) در پژوهشی با عنوان «تلفیق علم و فناوری در دوره ابتدایی» که با روش پژوهش تحلیلی استنتاجی انجام شد به این نتیجه دست یافتند که با تلفیق علم و فناوری در برنامه درسی به‌طور عام و در دوره ابتدایی به‌طور خاص میزان یادگیری و تسلط دانش آموزان بر محتوای سازمان‌دهی شده افزایش یافت و دانش آموزان بهتر توانستند مطالب آموخته‌شده را در زندگی واقعی به کار برند.

رهبر (1389) در پژوهش با عنوان «بررسی تأثیر برنامه درسی تلفیقی و غیر تلفیقی بر یادگیری دانش آموزان پایه سوم ابتدایی در درس علوم تجربی» با استفاده از روش قصه‌گویی تلفنی، صورت گرفته است. نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان داد: میزان یادگیری دانش آموزان از برنامه درسی تلفیقی با استفاده از قصه‌گویی تلفنی بیشتر از یادگیری آن‌ها از برنامه درسی غیر تلفیقی با روش سنتی بود.

ثانی و قربانی (1388) در پژوهشی با عنوان «تأثیر تلفیق محتوای چهار بخش اصلی کتاب علوم پایه اول راهنمایی بر اساس رویکرد تلفیقی بر پیشرفت تحصیلی و رشد اجتماعی دانش آموزان» با روش پژوهش شبه آزمایشی از نوع پروژه انجام داد به این نتیجه دست‌یافت که تلفیق و سازمان‌دهی محتوای کتاب علوم پایه اول راهنمایی بر اساس رویکرد تلفیقی از نوع پروژه در مبحث گرما بر میزان دانش، توانایی درک و کاربرد مطالب درسی و رشد اجتماعی دانش آموزان مورد مطالعه تأثیر معناداری ایجاد کرده است.

فرگوسن- پاتریک<sup>21</sup> (2018) در پژوهشی با عنوان «تلفیق برنامه درسی یک مطالعه موردی در آموزش جهانی» انجام داد. مطالعه موردی آموزش جهانی برای توصیف پیچیدگی‌های مسائل، زمانی که آموزگار تلاش می‌کند فراتر از شیوه‌های مبتنی بر موضوع حرکت کند استفاده شد. برای تلفیق برنامه‌های درسی با استفاده از آموزش‌های قرن بیست و یکم به‌واسطه فرصت کمی که آموزگاران و معلمان پیش‌دبستانی داشتند با محدودیت روبرو شد. موقعیت‌های حرفه‌ای معلمان نیازمند دستورالعمل‌های روشنی بود که به آن‌ها اجازه می‌داد محتوا و مهارت‌های مهم را برای شهروندان جوان ارائه دهند.

لیانگ<sup>22</sup> (2016) پژوهشی را با عنوان «تلفیق برنامه درسی در آموزش هنر؛ تلفیق چندگانه هنرها از طریق ایده» انجام داد. این پژوهش به‌صورت مطالعه موردی انجام‌شده است و نشان داد که چگونه سه معلم هنر، با استفاده از ایده «فضا» به‌عنوان موضوع سازمان‌دهی، یک محتوای آموزشی را اجرا کردند که مفاهیم و فرایندهای تلفیق‌شده را با انواع مختلف هنر از جمله رقص، موسیقی، نمایشنامه، هنرهای تجسمی اجرا کردند. دانش آموزان توانستند بر اهمیت فضا در هنر تأکید کنند. هدف نهایی، ارائه بینشی است که ممکن است به آموزگاران در طراحی واحدهای آموزشی کمک کند و اجازه دهد معلمان با آزادی بیشتری ساختار مناسبی را برای طراحی برنامه‌های درسی ارائه دهند و این کلید دستیابی به سطح معنی‌دار تلفیق است.

توزان<sup>23</sup> (2015) در پژوهشی با عنوان «مزایا و چالش‌های تلفیق استراتژی‌های آموزشی موسیقی در فعالیتهای یادگیری و یادگیری روزانه» را در کلاس‌های ابتدایی توصیف کرده است. بحث در مورد موضوع پروژه توسط داده‌های کیفی جمع‌آوری‌شده است؛ و از تدریس دو معلم ابتدایی در تورنتو و اونتاریو<sup>24</sup> استفاده شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه اجرای آن می‌تواند

<sup>21</sup>. Ferguson-Patrick

<sup>22</sup>. Liang

<sup>23</sup>. Tuazon

<sup>24</sup>. Toronto & Ontario

یادگیری را در برنامه درسی و فراتر از آن بهبود بخشد. به‌طور خاص تلفیق موسیقی در یادگیری چند فرهنگی همراه با افزایش مشارکت و درک دانش آموزان از مفاهیم و مهارت‌های ریاضی را افزایش داده است.

بیکر<sup>۲۵</sup> (2013) در پژوهشی که با عنوان «تلفیق هنر و توسعه شناختی» انجام داد، نقش هنر در عملکرد تحصیلی و تلاش برای توجیه پذیرش آن‌ها در برنامه درسی را نشان داده است. این پژوهش با روش آزمایشی و مطالعه کیفی انجام شد. چهارچوب نظری بر اساس نظریه استاندارد هوش و توسعه شناختی بود. جمع‌آوری داده‌ها شامل توصیف میدانی (قوم‌نگاری) و مشاهده برای شناسایی ارتباطات رفتاری، عملکرد شناختی و فکری و همچنین شناسایی نحوه تلفیق استانداردهای آموزشی در زمینه هنر است. مطالعه منظم و سیستماتیک برای آموزش موضوعی از طریق مفاهیم درسی آموزش داده شد. یادگیری مبتنی بر موضوع و مبتنی بر پروژه اغلب دانش آموزان را مجبور به استفاده از برنامه‌ریزی، تحقیق و تخیل در ارتباط باهدف کلی آموزش نمود. واحدهای موضوعی، رسانه‌های آموزشی برای توسعه شناختی فراهم می‌کند که سبب پیشرفت واژگان، استدلال-مقایسه، تلفیق مفاهیم و توسعه مفهومی است. استفاده از این اطلاعات و آموزش مبتنی بر هنر برای گسترش درک بیشتر و توسعه توانایی‌های شناختی و ذهنی در کلاس مورد استفاده قرار گرفت.

لاجویک<sup>۲۶</sup> (2013) در پژوهشی با عنوان «آنچه واقعاً در کلاس درس اتفاق می‌افتد» که با رویکرد پسا ساختارگرایی و از نوع کیفی با روش مطالعه موردی انجام شده است به این نتیجه دست یافت که چگونه معلمان ابتدایی، تلفیق هنر را درک، پیاده‌سازی و تجربه می‌کنند و به این نتیجه دست یافتند هنر تنها هنرهایی که برای مقاصد تزئینی استفاده شد نیست بلکه ترکیبی از هنرهایی است که در هنر موجود است. آنچه می‌توان انجام داد مشارکت در مشکل کاهش ارزش هنر در کلاس درس است. این پژوهش دارای مفاهیمی برای آموزش معلمان، تلفیق هنر و توسعه برنامه درسی است.

#### 4- بحث و نتیجه گیری

از آنچه بیان شد این نتیجه به دست می‌آید که واژه تلفیق به معنای در هم آمیختن حوزه‌های محتوایی است که در نظام‌های سنتی به‌طور جداگانه و مجزا از یکدیگر در برنامه درسی گنجانده شده اند. تلفیق برنامه درسی به دو روش مختلف صورت می‌گیرد. یک روش تلفیق دو یا چند موضوع است که به‌طور مساوی مطالب جدیدی را می‌توان آموزش داد. در دومین روش، یک درس برای تدریس دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد. تفسیرهای متفاوتی از تلفیق در حوزه‌های مختلف آموزشی وجود دارد، اما علی‌رغم این اختلافات همه صاحب‌نظران بر برخی ویژگی‌های استفاده از این رویکرد، از جمله برقراری ارتباط بین موضوعات اصلی، فرایند یادگیری و رابطه آن با تجارب و نیازهای دانش آموزان اتفاق نظر دارند. در سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز صراحتاً لزوم استفاده از برنامه‌های درسی تلفیقی بیان شده است. در اثبات اهمیت استفاده از این رویکرد پژوهش‌های زیادی در این فصل در دوره ابتدایی و برنامه درسی تلفیقی هنر و ضرورت و اهمیت این رویکرد بیان شد. نتایج پژوهش‌ها همگی بر مزیت تلفیق هنر در برنامه درسی تأکید دارند. جامعه مدرن از طریق برنامه درسی تلفیقی، مشکلات اجتماعی فعلی را در تمام پیچیدگی‌های زندگی واقعی آن‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. دانش آموزان مفاهیم و فرآیندهای علمی را از طریق مطالعه واحدهای تلفیق شده با دقت به دست می‌آورند. اگر تلفیق دروس استفاده شود معلمان می‌توانند فرایند یادگیری را گسترش دهند. برنامه‌های درسی که بر ویژگی‌های فراگیر و نیازهای طبیعی او متمرکز هستند، می‌توانند قابلیت‌ها و توانایی‌های

<sup>25</sup>. Baker

<sup>26</sup>. LaJevic

جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی فراگیر را به‌طور همه‌جانبه پرورش دهند. برنامه‌های درسی، هرچه بیشتر با نیازهای واقعی دانش‌آموز منطبق باشد، در پرورش استعدادها و نقش مهم‌تری را ایفا می‌کند. برنامه‌های درسی تلفیقی که به‌وسیله هنر همراه هستند چون برای دانش‌آموزان ملموس هستند، آموزش لذت بخشی را فراهم کرده و می‌توانند درک عمیقی از آموخته را برای دانش‌آموزان ایجاد کنند. ما باید دانش‌آموزان را درجایی که هستند بینیم و تلفیق هنری به نظر، راهی برای دستیابی به این هدف است؛ بنابراین هنرها را می‌توان در موضوعات اصلی تلفیق نمود و از مزایای آن بهره برد.

### منابع

- احمدی، پروین (190)؛ طراحی و سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی و رویکرد بین رشته ای در تلفیق برنامه درسی، تهران: آبیژ
- پاکیزه، علی (1394)؛ «بررسی تأثیر شیوه آموزشی تلفیقی هنر بر خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان پسر سال اول دبستان. فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی توسعه آموزش جندی شاپور. سال ششم، شماره 1.
- جعفری ثانی و همکاران (1388)؛ «تأثیر تلفیق چهار بخش اصلی کتاب علوم پایه اول راهنمایی بر اساس رویکرد سازمان دهی تلفیقی بر پیشرفت تحصیلی و رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه اول راهنمایی»، فصلنامه نوآوریهای آموزشی، ش 28، صص 178 - 157.
- رستمی مسنی، کوروش (1393)؛ بررسی امکان اجرای برنامه درسی تلفیقی در مقطع ابتدایی نظام آموزش و پرورش ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: دانشگاه خوارزمی تهران.
- رهبر، امیر (1389)؛ بررسی تأثیر برنامه درسی تلفیقی و غیر تلفیقی بر یادگیری دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی در درس علوم تجربی با روش قصه گویی تلفنی، پایان نامه کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی .
- ماهرزاده، طیبه و همکاران (1393)؛ «تلفیق علوم و تکنولوژی در برنامه درسی دوره ابتدایی»، دوره 1، شماره 29، صص 18-40
- محمدمهر، محمود و همکاران (1389)؛ «ارائه یک مدل الگوی تلفیق میان رشته ای در طراحی برنامه های درسی»، فصلنامه علمی- پژوهشی، شماره چهارم، صص 3-19
- مطلبی فرد، علیرضا و همکاران (1389)؛ چپستی و چرایی رویکردهای تلفیقی با تاکید بر رویکرد میان‌رشته ای در آموزش. آموزش و بهسازی منابع انسانی، اردیبهشت 1389
- منصور، محمود (1395)؛ روانشناسی ژنتیک تحول روانی از تولد تا پیری. تهران: سمت
- مهرمحمدی، محمود. (1396)؛ برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها، چشم‌اندازها. مشهد: به نشر.
- میکائیلو، غلامحسین و همکاران (1395)؛ «رویکرد تلفیقی به برنامه درسی. مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی». جلد دوم، صص 1-20.
- همایونی بخشایش، نسرين (1395)؛ مقایسه کیفیت برنامه درسی مجزا و تلفیقی پایه ششم ابتدایی، پایان نامه ارشد، استاد راهنما: موسی پیری.

Baker, Dawn. (2013). Art Integration and Cognitive Development. University of South Carolina- Columbia. Journal for Learning through the Arts, (1)9.

Fackler, Rachel. (2016). Arts Integrated Elementary School Classrooms and Academic Success. University Honors Theses. Paper 294.

Ferguson-Patrick, Kate et al. (2018). Integrating Curriculum: A Case Study of Teaching Global Education. European Journal of Teacher Education, 41(2), 187-201.

LaJevic, Lisa. (2013). A Research Journal on Arts Integration in Schools and Communities. Journal for Learning through the Arts, (1) 9.

Liang, Tan See et al. (2016). Curriculum Integration in Arts Education: Connecting Multiple Art Forms through the Idea of "Space". Journal of Curriculum Studies, 48(5), 610-629.

Molly, Zhou. (2015). Arts Integration in Elementary Curriculum. Dalton State College, University System of Georgia ALG Grant under Award Number ALGR, 2-82.

Tuazon, Andre. (2015). Integrating Music in the Elementary Classroom. Department of Curriculum, Teaching and Learning. Ontario Institute for Studies in Education of the University of Toronto.

Archive of SID